

بررسی نقش انرژی نفت و گاز در ایجاد بحران در روابط بین المللی

نمونه موردی: (ایران و جمهوری آذربایجان)

دکتر هادی اعظمی منوره محمودی، نرگس حجتی پناه، محسن سلطانی

۱ دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، aazami@um.ac.ir

۲ کارمند آموزش و پرورش، شهرستان نیشابور.

۳ دانش آموخته جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، Nargeshajipanah68@gmail.com

۴ دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، sorena_698842@yahoo.com

چکیده

ابعاد مکانی و جغرافیایی است و به همین اعتبار انرژی را به موضوع ژئوپلیتیکی مهمی تبدیل کرده است. بحران ها و تحولات سیاسی و مناسبات متغیر جهانی و منطقه ای بویژه در خاورمیانه و خزر عمدتاً متأثر از نفت و گاز است. [۵]. جمهوری آذربایجان در بخش جنوب شرق قفقاز جنوبی و در همسایگی شمال غربی ایران قرار دارد که دارای موقعیتی ویژه در قفقاز می باشد. خط مرزی مشترک ایران با آذربایجان به طول ۷۶۷ کیلومتر می باشد که به علت اشغال منطقه ی قره باغ از سوی ارمنستان، این خط مرزی به ۷۰۰ کیلومتر کاهش یافته است [۶]. منطقه خزر دارای ذخایر بسیار نفت و گاز است که طبق گزارش آژانس بین المللی انرژی، میزان ذخایر نفت اثبات شده حدود چهار میلیارد بشکه و میزان گاز طبیعی ۱۳۶ تا ۳۳۷ تریلیون فوت مکعب است. ذخایر نفت احتمالی منطقه تا دو بیست میلیارد بشکه برآورد می شود. هم اکنون در دریای خزر بیش از ۳۵ میدان نفت و گاز کشف شده است [۲۱]. که بخش اصلی آن به جمهوری آذربایجان تعلق دارد. و کشور مذکور از عمده ترین تولیدکنندگان نفت خزر محسوب می شود. از طی سالیان نه چندان دور، کشور آذربایجان همواره نسبت به برخی از میادین انرژی متعلق به ایران ادعای مالکیت داشته که این امر گاه باعث بروز تنش های جدی در روابط دو کشور شده است: آذربایجان در ۲۱ ژوئن ۱۹۹۸ استخراج از میدان نفتی البرز را به دو شرکت بریتیش پترولیوم از انگلیس و استات اویل نروژ واگذار کرده بود که این دو شرکت پس از اخطار شدید نیروی هوایی ایران در تاریخ ذکر شده (۱۳۸۰) دست از ادامه کار کشیدند [۶]. در اردیبهشت ۱۳۹۱ مقامات آذربایجان ادعا کردند که میدان عظیم سردار جنگل که در حد فاصل آبهای ترکمنستان و آذربایجان قرار دارد را ایران غصب کرده است و این در حالی است که در نخستین روزهای کشف این میدان، مقام های این کشور کشف این حوزه را به ایران تبریک گفته بودند [۴]. از نظر زیست محیطی آذربایجان مشکل ساز ترین کشور ساحلی خزر می باشد، در چاههای نفتی این کشور از تکنولوژی قدیمی استفاده می شود که مرتباً با چالش و شکستگی در

انرژی های فسیلی بویژه نفت و گاز از آن حیث که در بیلان انرژی جهان سهم بالایی دارند، جایگاه ویژه ای را در مناسبات بین المللی پیدا کرده اند و سیاست بین المللی را نیز تحت الشعاع قرار داده اند که الگوهایی از رقابت، همکاری، تعامل، همگرایی و واگرایی را در روابط کشورها شکل داده است. دریای خزر بعنوان بخشی مهم از نظریه بیضی استراتژیک انرژی جغرافی کب، دارای ذخایر عظیم نفت و گاز می باشد و در این بین وجود ذخایر انرژی نفت و گاز در مرزهای دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان، همواره عاملی مهم در ایجاد تنش های سیاسی و حتی نظامی بوده است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است و پس از انجام فرایند تحقیق مشخص شد که ادعای مالکیت میادین انرژی ایران در خزر توسط آذربایجان از جمله میادین انرژی سردار جنگل و البرز، آلودگی زیست محیطی ایجاد شده ناشی از بهره برداری های نفتی غیر اصولی آذربایجان که عمدتاً سواحل ایران را متأثر می سازد، دعوت یکجانبه از شرکت های نفتی بین المللی برای استخراج نفت بدون توجه به مسئله رژیم حقوقی خزر، انتقال نفت و گاز آذربایجان توسط شرکت های چندملیتی از مسیری بجز مسیر ایران و تقویت رقابت منطقه ای و فرامنطقه ای ایران از این طریق و پیگیری سیاست خط مرزی خلیج حسینقلی - آستارا برای ایران در رژیم حقوقی خزر که ایران را از منابع نفتی فلات قاره محروم می سازد از مهمترین عوامل ایجاد تنش در روابط ژئوپلیتیکی ایران و آذربایجان در رابطه با انرژی محسوب می شوند.

واژگان کلیدی: انرژی فسیلی، بحران، روابط بین المللی، ایران، جمهوری آذربایجان

۱- مقدمه

انرژی و بویژه انرژی های فسیلی در سیاست های ملی و روابط ژئوپلیتیکی کشورها نقش تعیین کننده ای پیدا کرده است. مسئله دسترسی به منابع انرژی فسیلی برای ایجاد و حفظ سیادت منطقه ای و جهانی و به چالش کشیدن رقبا در عرصه بین المللی، جملگی دارای

در سیاست بین‌المللی همگرایی فرآیندی شناخته می‌شود که طی آن واحدهای سیاسی به طور داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدفهای مشترک صرف نظر کرده و از یک قدرت مافوق ملی تبعیت می‌کنند. انگیزه دولت‌ها برای همگرایی، برای رسیدن به امکاناتی است که قبل از همگرایی، دست یافتن به آن غیرممکن بود [۸].

۳-۳ واگرایی

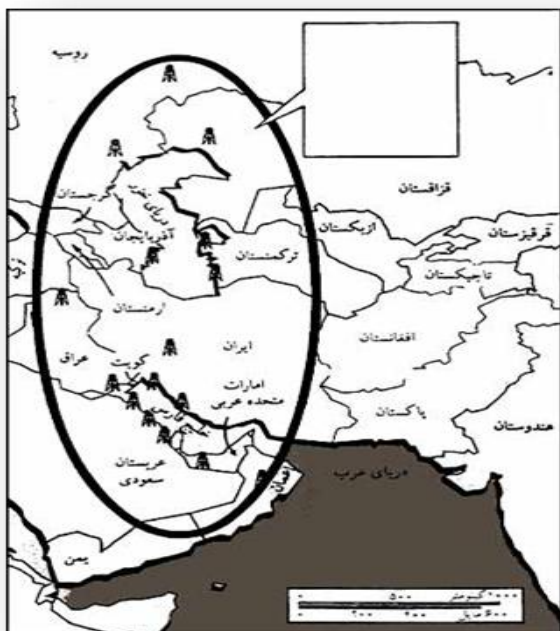
در واقع واگرایی نقطه مقابل همگرایی محسوب می‌شود و عبارتست از فرآیندی که طی آن واحدهای سیاسی و دولت‌ها از همدیگر دور شده و در اثر آن زمینه‌های بحران و جنگ فراهم آید [۸]. و یا این گونه تعریف کرد که: شکستن یک کلیت یا سیستم اجزا و بخش‌های کوچکتر به نحوی که کارکردهای آن نابود شود [۱۴].

۳-۴ روابط ژئوپلیتیکی

روابط ژئوپلیتیکی روابطی هستند که بین کشورها و دولت‌ها و بازیگران سیاسی بر پایه ترکیب عناصر سیاست-قدرت و جغرافیا قرار دارند [۵]. در شکل‌گیری هرگونه رابطه بین بازیگران سیاسی، ذخایر فسیلی و بویژه نفت و گاز نقش مهمی ایفا می‌کنند.

۳-۵ بیضی استراتژیک انرژی

جفری کمپ در سال ۱۹۹۷، مجموعه سرزمین‌های دربرگیرنده خلیج فارس و دریای خزر را بیضی استراتژیک انرژی نام نهاد [۱]. از نظر میزان ذخایر انرژی موجود، بیش از ۷۰ درصد ذخایر شناخته شده نفتی و بیش از ۴۰ درصد ذخایر کشف شده گاز در محدوده یاد شده وجود دارد [۱۰].



شکل ۲: نقشه بیضی استراتژیک انرژی از نظر جفری کمپ. منبع: (www.energeopolitics.com).

انتقال مواجهه است. آلودگی نفتی ناشی از آذربایجان بر اساس جریان‌های دریایی خزر به سمت ایران کشیده می‌شود. در نهایت اینکه پی‌گیری سیاست غیر واقع‌بینانه در رابطه با رژیم حقوقی خزر از سوی دولت مذکور، باعث محروم شدن ایران از منابع نفت و گازی منطقه فلات قاره می‌شود. موارد اشاره شده در رابطه با انرژی نفت و گاز خزر، همواره زمینه‌های ایجاد بحران در مناسبات فی مابین دو کشور را در سالیان اخیر فراهم نموده است. با وجود نقش فراوان انرژی‌های فسیلی در ایجاد درآمد ملی و به تبع آن افزایش قدرت منطقه‌ای کشور، لزوم شناسایی زمینه‌های ایجاد تنش با همسایه شمال غربی در رابطه با ذخایر نفت و گاز احساس می‌شود. سوال اصلی مقاله کنونی این است که مهترین منابع ایجاد بحران در روابط فی مابین ایران و جمهوری آذربایجان در رابطه با انرژی‌های نفت و گاز در خزر، کدامند؟

۲- روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله با توجه به ماهیت نظری آن، توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع معتبر، کتب، مقالات و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی نهادهای رسمی مرتبط با موضوع مقاله گردآوری شده است.

۳- مفاهیم و نظریات تحقیق

۳-۱ جمهوری آذربایجان

آذربایجان با وسعتی حدود ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع، جنوبی‌ترین کشور واقع در منطقه ژئوپلیتیکی قفقاز قلمداد می‌شود. این کشور از جنوب ۷۶۵ کیلومتر با ایران مرز مشترک دارد [۶]. و جمعیت آن تا ۲۰۱۴ میلادی به ۹۶۸۶۲۱۰ میلیون نفر رسیده است [۱۷].



شکل ۱: نقشه موقعیت جغرافیایی کشور آذربایجان. منبع: <http://maps.google.com>

۳-۲ همگرایی

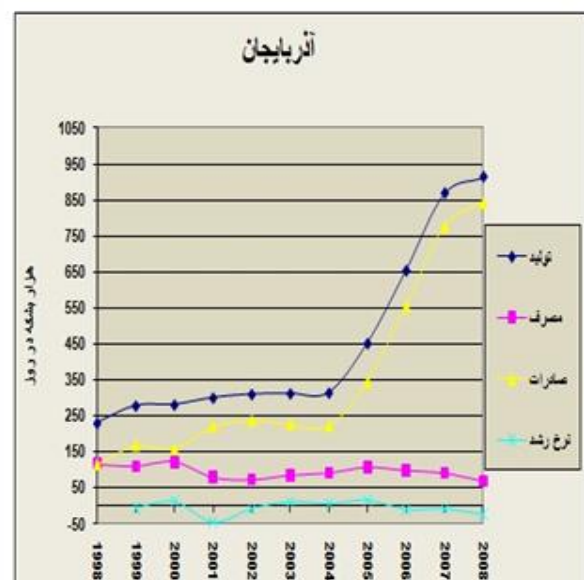
۴- یافته های تحقیق

۴-۱ حجم ذخایر انرژی خزر و جمهوری آذربایجان:

در خصوص حجم و میزان منابع نفت و گاز دریای خزر و کشورهای حاشیه آن نیز، برآوردهای موجود تا حدودی متفاوت می‌باشند. علی‌رغم این پیش‌بینی‌ها، آنچه که واقعیت دارد این است که هنوز بسیاری از مناطق دریای خزر و نواحی همجوار آن مورد آزمایشات لرزه نگاری قرار نگرفته‌اند و همین مسئله می‌تواند کلیه برآوردهای موجود را دچار تغییر نماید. براساس برآوردهای به عمل آمده، ذخایر اثبات شده نفت خام منطقه خزر بین ۱۶ تا ۳۲/۵ میلیارد بشکه (۲ تا ۴ میلیارد تن) و ذخایر گاز طبیعی بین ۲۳۶ تا ۳۳۷ تریلیون فوت مکعب (۴/۵ تا ۷ تریلیون مترمکعب) می‌باشد. علاوه بر آن، این احتمال وجود دارد که در حدود ۱۶۳ میلیارد بشکه نفت (۲۳ تا ۲۸ میلیارد تن طبق برخی برآوردهای دیگر) و ۳۲۸ تریلیون فوت مکعب (۸ تریلیون متر مکعب) گاز طبیعی دیگر در منطقه وجود داشته باشد [۱۹].

بر اساس آمار شرکت BP میزان ذخایر نفتی به اثبات رسیده آذربایجان ۷ میلیارد بشکه و ذخایر احتمالی آن ۳۲ میلیارد بشکه و میزان ذخایر گاز طبیعی به اثبات رسیده و احتمالی آن به ترتیب ۴۵/۱۳ و ۳۵ تریلیون فوت مکعب تخمین زده شده است [۲۲].

بر اساس اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA)، با تکمیل فاز ۳ میدان آذری_چراغ_گونشلی و اضافه شدن سکوی حفاری آبهای عمیق گونشلی به آن، تولید نفت کشور آذربایجان به ۱/۳ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ رسیده است.



نمودار ۱: تولید، مصرف، صادرات نفت آذربایجان و نرخ رشد آنها

(۲۰۰۸-۱۹۹۸ م)

منبع: EIA, International energy Annual

۴-۲ برآورد کلی مصرف منابع نفت و گاز در آینده

طبق برآوردهای به عمل آمده، منابع هیدروکربنی انرژی (نفت و گاز) دست کم تا افق ۲۰۳۰، همچنان ستون اصلی مصرف جهانی انرژی را تشکیل خواهد داد. به بیان دیگر، نفت و گاز طی این فاصله زمانی ۹۰ درصد از افزایش جهانی در تقاضای انرژی را از آن خود خواهند نمود [۲۰]. در این میان، براساس بررسی‌های به عمل آمده طی دو دهه آینده، مصرف جهانی نفت ۵۰ درصد رشد یافته و از روزی ۸۵ میلیون بشکه در سال ۲۰۰۵ به ۱۱۸ میلیون بشکه در سال ۲۰۲۵ خواهد رسید. با این حال، به رغم رشد فزاینده مصرف جهانی نفت، سازمان بین‌المللی انرژی پیش‌بینی نموده است که سهم این منبع سوختی در نظام مصرف جهانی انرژی از ۳۸ درصد در سال ۲۰۰۴ به ۳۴ درصد در سال ۲۰۳۰ تنزل خواهد نمود [۱۹]. از سوی دیگر، افزایش مصرف جهانی گاز طی دو دهه آینده روندی حتی فزاینده‌تر از رشد مصرف نفت خواهد داشت. پیش‌بینی می‌شود، روند مصرف گاز در جهان طی سه دهه آینده بیش از ۷۰ درصد افزایش یافته و از ۹۲ تریلیون فوت مکعب به ۱۵۶ تریلیون فوت مکعب برسد و تقاضای گاز طبیعی تا سال ۲۰۳۰ از ۲۳ به ۲۸ درصد کل تقاضای جهانی انرژی افزایش یابد [۲]. در همین رابطه پیش‌بینی شده است که مصرف انرژی کشورهای در حال توسعه تا سال ۲۰۲۵ دو برابر خواهد شد.

هدف از بیان مطالب فوق نشان دادن اهمیت روزافزون نفت و گاز بعنوان عاملی مهم در روابط کشورها در آینده خواهد بود و بطور حتم این اهمیت باعث افزایش تنش‌های سیاسی و حتی نظامی بین کشورها بر سر مخازن انرژی‌های فسیلی خواهد شد و دو کشور ایران و آذربایجان در خزر از این امر مشتتنی نخواهند بود. این نکته از آن جهت اهمیت دارد که خزر منبع عظیم انرژی‌های فسیلی پس از خلیج فارس محسوب می‌شود و نفت عاملی اساسی در تدوین استراتژی خارجی دو کشور ذکر شده محسوب می‌شود.

۴-۳ نقش ذخایر نفت و گاز در ایجاد تنش‌های سیاسی بین

ایران و جمهوری آذربایجان

۴-۳-۱ ادعای مالکیت میادین نفت و گازی ایران در دریای

خزر

جمهوری آذربایجان در دریای خزر، ادعای مالکیت برخی از میادین نفت و گازی ایران را دارد. دو میدان انرژی «سردار جنگل» و «البرز» از مهمترین میادین مورد ادعای همسایه شمالی ایران هستند.

۴-۳-۱-۱ میدان انرژی سردار جنگل

میدان نفتی سردار جنگل در انتهای مرزی ایران و در استان گیلان قرار دارد که ۲۴ کیلومتر طول و ۱۶ کیلومتر عرض دارد. این میدان در سال ۱۳۸۰ و در عمق ۷۰۰ متری از سطح آب کشف شد که دارای ۵۰ هزار میلیارد فوت مکعب ذخیره درجای گاز می‌باشد که بیش از ۱۰ برابر میدان گازی شاه‌دنیز آذربایجان است. طبق آمار اعلام شده

توسط شرکت ملی نفت ایران؛ حدود ۷ میلیارد بشکه نفت در این مخزن عظیم وجود دارد که عدد بسیار بالایی بوده و حائز امتیازات اقتصادی بسیار سودمندی برای کشور خواهد بود [۲۳]. در اردیبهشت ۱۳۹۱ مقامات آذربایجان ادعا کردند که این میدان عظیم در حد فاصل آبهای ترکمنستان و آذربایجان قرار دارد و ایران آن را غصب کرده است و این درحالی است که در نخستین روزهای کشف این میدان، مقام های این کشور کشف این حوزه را به ایران تبریک گفته بودند.

سه دلیل عمده را میتوان برای ادعای مالکیت این کشور بر میدان سردار جنگل ذکر کرد:

۱: کیفیت بسیار بالای نفت اکتشافی این حوزه که از آن بعنوان مرغوبترین نفت جهان نام برده می شود. نفت این میدان از نوع سبک است، به طوری که در ابتدا API آن ۳۸ بود، ولی اکنون به ۴۱ هم رسیده است. یکی دیگر از امتیازات این نفت بدون گوگرد بودن آن است.

۲: دومین دلیل روابط حسنه آذربایجان با اسرائیل می باشد که همین عامل باعث شده جمهوری آذربایجان تحت فشار این رژیم، چنین موضع گیری را در مورد میادین انرژی ایران داشته باشد [۴].

۳: همانطور که اشاره شد وجود ذخیره ارزشمند و فراوان ۷ میلیارد بشکه ای نفت و ۵۰ هزار میلیارد فوت مکعب گاز نیز عاملی وسوسه انگیز برای طرح ادعاهای واهی دولت آذربایجان در مورد این میدان عظیم نفتی می باشد.

۲-۳-۴- میدان نفتی البرز

میدان نفتی البرز در جنوب غربی خزر قرار دارد و ذخیره آن بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون تن نفت برآورد شده است. شرکت ملی نفت ایران این حوزه را البرز نامگذاری کرده است و در تاریخ ۱۳۸۰/۵/۱ جلوی عملیات دو شرکت مجری استخراج نفت را گرفت. آذربایجان که این حوزه را "کورداشی" می نامد در ۲۱ ژوئن ۱۹۹۸ استخراج از این میدان نفتی را به دو شرکت بریتیش پترولیوم از انگلیس و استات اویل نروژ واگذار کرده بود. این دو شرکت پس از اخطار شدید نیروی هوایی ایران در تاریخ ذکر شده (۱۳۸۰)، دست از ادامه کار کشیده و اعلام کردند تا زمانی که اختلافات دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان رفع نشود فعالیت نخواهند کرد [۶]. اثر عمیق این برخورد قاطع، موجب شیطنت هماهنگ نیروهای هوایی ترکیه و آذربایجان بر فراز آب های سرزمینی ایران گشت که با گشت حفاظتی مجهز به اف ۱۴ ها و اوربون های ارسالی از شیراز و اصفهان پاسخ داده شد. پس از این حادثه، آذربایجان از آمریکا و ترکیه برای تقویت نیروی دریایی خود کمک خواست و همکاری های نزدیک نظامی را با اسرائیل آغاز کرد که خود موجب سردی روابط دو کشور، بیش از پیش شد.

۲-۳-۴ رژیم حقوقی دریای خزر

تا پیش از فروپاشی شوروی رژیم حاکم بر دریای خزر مبتنی بر عهدنامه مودت ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بود، اما با فروپاشی شوروی و با امضای قرارداد (قرن) برای بهره برداری از منابع نفتی تنگیز از سوی دولت آذربایجان، روند تقسیم خزر تسریع پیدا کرد.

این کشور با استناد به اصل: ولادت مطهر و تغییر بنیادین در شرایط منطقه پس از فروپاشی شوروی و با توجه به ماده ۱۲۳ قانون اساسی این کشور، آبهای داخلی خزر را متعلق به خود دانست و با اصل مالکیت مشترک به مخالفت برخاست [۷]. این در حالی است که ایران علی رغم مرز مستقیم ۶۵۷ کیلومتری بین آستارا تا دهانه اترک، امکان گستراندن فلات قاره اش را در قبال آذربایجان و ترکمنستان ندارد و برای دستیابی به خواسته های تاریخی و طبیعی اش باید بر قراردادهای پیشین تکیه کند و یا بر تقسیم مساوی ۲۰ درصد (که پس از تقسیم مشاعی مدنظر ایران قرار گرفته) رضایت دهد که در هر دو صورت آذربایجان باید از بخشی از قلمروی ساحلی خود چشم پوشی کند. که چنین اصلی با علایق کنونی آذربایجان سازگار نیست و به دلیل حساسیت زیاد نسبت به منافع و قلمرو دریایی خود حاضر به سپردن بخشی از این فضا به ایران نخواهد بود چون بیشترین منابع نفت و گاز فلات قاره خزر در محدوده این کشور قرار دارد [۱۱]. این کشور قائل به تقسیم کلی دریای خزر و تبدیل آن به مناطق ملی کشورهاست و باتوجه به اینکه آذربایجان ادعا دارد اتحاد شوروی در ۱۹۷۰ تمامی خط فرضی بین آستارا تا خلیج حسینقلی جمهوری های ساحلی تقسیم کرده است لذا معتقد است هر کشور ساحلی سهم خود از خزر را از یک منطقه امتداد ساحلی تا خط مرکزی (خطی که فاصله برابری از هر ساحل دارد) بدست خواهد آورد [۳]. در نتیجه مشاهده می شود طرح این ادعا در رابطه با رژیم حقوقی خزر که به ایران آن سهمی تعلق گیرد که زیر خط مابین دو نقطه مرزی خشکی ایران یعنی آستارا تا خلیج حسینقلی است، که فقط ۱۱ درصد خزر را شامل می شود که تهدید عمده ای علیه منافع ملی ایران در خزر محسوب می شود [۱۲].

۳-۳-۴ آلودگی زیست محیطی دریای خزر

از نظر زیست محیطی آذربایجان مشکل سازترین کشور ساحلی خزر می باشد، در چاه های نفتی این کشور از تکنولوژی قدیمی استفاده می شود که مرتبا با چالش و شکستگی در انتقال مواجه است. آلودگی نفتی ناشی از آذربایجان بر اساس جریان های دریایی خزر به سمت ایران کشیده می شود بگونه ای که در سال ۱۳۹۱ حدود ۲۶ تن گلوله نفتی از سواحل گیلان جمع آوری شده است به مربوط به کشور آذربایجان می باشد [۳]. میادین نفتی آذری، گونشلی، چیراک، آبشرون، نخجوان، موگان دنیز و صنایع Sumgait و پالایشگاه های نفت و صنایع پتروشیمی باکو از منابع آلوده کننده دریای خزر هستند [۴].

به گفته مسئولان سازمان محیط زیست ایران، تصاویر ماهواره ای از حرکت لکه نفتی به طول ۱۱۰ کیلومتر از آذربایجان به سمت سواحل ایران خبر می دهند که البته این لکه نفتی در ظاهر دیده نمی شود چون در طول حرکت به زیر آب می رود و خسارات جبران ناپذیری به محیط زیست خزر در سواحل ایران وارد خواهد کرد. [۸]. که این امر باعث کمبود اکسیژن و نابودی آبزیان شد و تبعات آن مستقیم و غیر مستقیم بر زندگی ساحل نشینان شمال ایران تاثیر خواهد داشت.

۴-۳-۴- دعوت یکجانبه از شرکت های نفتی بدون توجه به رژیم حقوقی خزر توسط جمهوری آذربایجان

آذربایجان بدون توجه به معاهدات قبلی، به اقدامات یکجانبه از جمله دعوت از شرکتهای درون و برون منطقه ای برای استخراج نفت قبل از حل مسائل حقوقی آن دست زد. آذربایجان با این استدلال که نمی تواند کشور را از درآمد نفت و بازسازی و توسعه به بهانه رژیم حقوقی خزر باز دارد. از سال ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ با انعقاد قراردادهای عظیم نفتی و سپس گازی و شکل گیری کنسرسیوم های بزرگ نفتی و گازی متشکل از مهمترین شرکتهای چندملیتی آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و... فعالیت های اکتشاف و بهره برداری عمدتاً در آبهای نزدیک به کشور آذربایجان و قزاقستان شروع گردید. در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۴، شرکت دولتی نفت آذربایجان (سوکار) قراردادی را به منظور اکتشاف و بهره برداری از معادن نفتی دریای خزر با کنسرسیومی متشکل از ۱۱ شرکت نفتی مختلف به امضا رساند. شرکت ملی نفت ایران که در ابتدا ده درصد از سهام کنسرسیوم را داشت، در نتیجه فشارهای آمریکا مجبور به خروج از کنسرسیوم گردید. در عوض شرکت نفت روسیه لوک اویل ده درصد از سهام شرکت مزبور را تصاحب نمود. اقدام مزبور نقش مهمی در تیره شدن روابط دو کشور داشت. و این در حالی بود که ایران در ماجرای بحران قره باغ کمک های فراوانی نسبت به جمهوری نخجوان انجام داده بود و انتظار چنین رفتاری را از دولتمردان آذری نداشت. و در واکنش به این عمل، گاز صادراتی به این قسمت از خاک آذربایجان را قطع کرد.

۵-۳-۴- انتقال نفت و گاز آذربایجان از مسیر های دیگری بجز مسیر طبیعی آن یعنی ایران

بهترین راه برای انتقال ذخایر عظیم نفتی و گازی آذربایجان استفاده از خطوط لوله است. در ذیل مسیرهای مختلفی که برای انتقال نفت و گاز آذربایجان پیشنهاد گشته بررسی شده است:

۱- مسیر شمالی

مسیری قدیمی و مورد حمایت روسیه است. این مسیر نفت خزر را از طریق روسیه به دریای سیاه انتقال می دهد و گاز آن را نیز از طریق روسیه به اروپا صادر می کند [۱۸]. این مسیر خود به دو مسیر دیگر تقسیم می شود:

الف) مسیر باکو — نوروسیسک: این مسیر از بندر باکو آغاز می شود و پس از عبور از جمهوری داغستان روسیه و چچن به بندر نوروسیسک

روسیه در سواحل دریای سیاه می رسد [۱۳]. مهم ترین مشکل این خط لوله عبور آن از مسیر ناامن چچن است.

ب) مسیر تنگیز — نوروسیسک:

۲- مسیر غربی

این مسیر، که شدیداً سیاسی و مورد حمایت غرب و در رأس آن امریکاست، به چند مسیر فرعی تقسیم می شود:

الف) مسیر باکو — سوپسا: از باکو آغاز و به بندر سوپسای گرجستان در ساحل دریای سیاه ختم می شود [۱۳].

ب) خط لوله گاز باکو — تفلیس — ارض روم: این مسیر از شهر باکو آغاز می شود و پس از عبور از پایتخت گرجستان به ترکیه می رسد. گاز حوزه شاه دنیز در جمهوری آذربایجان از طریق این مسیر به ترکیه صادر می شود.

ج) خط لوله گاز ترانس خزر: این خط لوله، گاز منطقه خزر را به بازارهای اروپا صادر می کند و از آسیای میانه و ترکمنستان آغاز و پس از عبور از بستر خزر به آذربایجان وارد می شود و از طریق ترکیه به اروپا می رسد.

پ) خط لوله باکو — تفلیس — جیهان: این مسیر مهم ترین خط لوله در مسیر شرق به غرب به شمار می رود. این خط لوله از جنوب باکو آغاز و به بندر جیهان ترکیه در ساحل دریای مدیترانه می رسد.

۳- مسیر خزر به خلیج فارس

این مسیر مورد حمایت ایران است. برای انتقال نفت از این مسیر دو راه وجود دارد: یکی روش معاوضه یا سوآپ و دیگری روش انتقال مستقیم

الف) روش انتقال مستقیم: در این روش خط لوله ایجاد می شود و نفت کشورهای حاشیه خزر را به منطقه خلیج فارس منتقل می کند. با توجه به اینکه در بیشتر قسمت های این مسیر شبکه خط لوله نفت وجود دارد با تکمیل و توسعه آن با هزینه کمتر می توان این خط لوله را راه اندازی کرد. هزینه این خط لوله کمتر از خط لوله باکو — جیهان است، ولی از نظر سیاسی، با مخالفت امریکا روبه روست.

ب) سوآپ نفت خزر: انتقال نفت آذربایجان برای مصرف در پالایشگاه های داخلی ایران و تحویل نفت به مشتریان آذربایجان از تولید ایران در خلیج فارس.

۴- خط لوله سراسری اروپا

هدف از احداث این خط لوله انتقال نفت خام کشورهای آذربایجان و قزاقستان به پالایشگاه های شمال ایتالیا و مرکز اروپاست. بطور کلی انتقال نفت آذربایجان به بازارهای جهانی از طریق ایران با موانعی روبه روست که عبارتند از:

ضعف سیاسی و مستقل نبودن این کشور در تصمیم گیری های خود، سیاست های ضد ایرانی امریکا و اسرائیل، رقابت جدی ترکیه و روسیه با ایران برای تسلط بر مسیرهای صدور انرژی و حمایت جهان غرب از ترکیه و سرانجام شیوه مواجهه جمهوری اسلامی ایران با این مشکلات

[۲۴]. ولی عبور خطوط لوله، علاوه بر درآمدزایی و اهمیت اقتصادی، می‌توانست به اهمیت ژئوپلیتیک ایران بیفزاید. بعضی از منافع عبور خطوط لوله از ایران عبارت است از: صرفه‌جویی در انتقال نفت و گاز طبیعی از طریق لوله از جنوب کشور به مناطق شمالی، شکوفایی اقتصادی مناطق محل عبور خطوط لوله که امکانات زیادی برای آن مناطق فراهم می‌کند، تأمین منافع سیاسی - امنیتی از طریق توسعه نفوذ در کشورهای صادرکننده نفت و گاز و تبدیل آنها به کشورهای دوست، گسترش روابط اقتصادی و دستیابی به بازار مصرف آن کشورها برای فروش تولیدات داخلی. در حال مسیر غربی، که مورد حمایت غرب است، نفت آذربایجان را به بازارهای جهانی صادر می‌کند. این مسیر در انحصار شرکت‌های غربی است و در نتیجه ایران این امتیاز مهم ژئوپلیتیک را به دلایل ذکر شده، در رابطه با عبور لوله‌های انتقال انرژی آذربایجان، از خاک خود از دست داده است. و این امتیاز نصیب ترکیه رقیب منطقه ای ایران شد. در نتیجه تاثیر زیادی در سردی روابط دوجانبه ایران و آذربایجان داشته است.

۶-۳-۴- ایران و نفت و گاز خزر

در حالی که تمام کشورهای حاشیه خزر به بهره‌برداری از منابع انرژی خزر می‌پردازند، ایران تنها کشوری است که تاکنون دست به چنین کاری نزده است. از مهمترین دلایل این امر، وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در خلیج فارس و نیاز کم این کشور به ذخایر انرژی شمال است. این عامل باعث شده تا سایر دولت‌های ساحلی از جمله آذربایجان ایران را نسبت به نفت و گاز خزر بی‌نیاز بدانند. دوم اینکه عمق سواحل ایران در خزر بسیار عمیق است و استخراج نفت و گاز آن به فناوری‌های پیشرفته و سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی نیاز دارد که در وضعیت کنونی در دسترس ایران نیست. و اقدامات اکتشافی ایران نیز بیشتر جنبه سیاسی و نوعی اعلام حضور فعال این کشور در خزر دارد.

۵- تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری

همانطور که در بخش یافته‌های تحقیق بدان اشاره شد انرژی فسیلی و مشخصاً نفت و گاز به طرق مختلف باعث ایجاد تنش در روابط ژئوپلیتیکی دو کشور ایران و آذربایجان شده است. طبق آخرین برآورد ها ذخیره نفت محدوده خزر ۳۵ میلیارد بشکه و ذخایر گاز آن ۳۳۷ تریلیون فوت مکعب است و با توجه به گسترش استفاده از ذخایر فسیلی در آینده، (تا سال ۲۰۲۵ افزایش مصرف نفت ۵۰ درصد و مصرف دوبرابر خواهد بود)، و نقش عمده ای که صادرات این ذخایر در تولید ناخالص داخلی ایران و آذربایجان دارد، هر نوع تصمیم‌گیری نفتی دو کشور، تاثیرات مثبت و منفی فراوانی در روابط متقابل آنها خواهد داشت. ادعای مالکیت میدین انرژی البرز و سردار جنگل، دعوت یکجانبه از شرکت‌های غربی برای استخراج نفت بدون توجه به رژیم حقوقی خزر، آلودگی زیست محیطی ایجاد شده ناشی از فعالیت

های نفتی آذربایجان، انتقال لوله‌های نفتی از مسیری جز مسیر ایران و ادعای غیر منطقی این کشور در رابطه با خط مرزی خلیج حسینقلی-آستارا که در این صورت ایران از منابع نفتی فلات قاره محروم می‌شود مهمترین زمینه‌های ایجاد تنش در روابط دوجانبه دو کشور در رابطه با موضوع نفت و گاز بوده اند. بگونه‌ای که برخی از این موارد تا مرز درگیری نظامی پیش رفت و خود عاملی برای کشاندن پای دولت‌های فرامنطقه‌ای به خزر شد، هرچند زمینه‌های این حضور از مدت‌ها قبل فراهم شده بود لکن این حوادث روند حضور قدرت‌های غیر مرتبط با دریای خزر را تسریع کرد و سردی بیشتر روابط دو کشور را بعدها فراهم ساخت. برای مقابله با چنین بحران‌هایی لزوم فعالیت بیشتر دستگاه دیپلماسی کشور برای حل عادلانه مسئله تحریم‌های ایران برای دسترسی به تکنولوژی استخراج و سرمایه‌گذاری بین‌المللی در نفت و گاز خزر، و تلاش بیشتر برای توجیه دولتمردان آذری به منظور نزدیکی سیاست‌های انرژی دو کشور احساس می‌شود.

منابع:

- [۱] احمدی، سیدعباس، پارسایی، اسماعیل، ۱۳۸۴، «جایگاه ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک»، مجموعه مقالات دومین کنگره علمی انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- [۲] اسدی کیا، بهناز، ۱۳۷۵، «جمهوری آذربایجان»، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- [۳] پایگاه خبری دیده بان محیط زیست مورخ ۲۱ خردادماه ۱۳۹۲.
- [۴] پایگاه خبری - تحلیلی تابناک مورخ ۷ فروردین ۱۳۹۲ و ۲۹ تیرماه ۱۳۹۲.
- [۵] حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، انتشارات پاپلی.
- [۶] دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۷، جمهوری آذربایجان، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- [۷] دهقان طرزجانی، محمود، ۱۳۷۹، روابط خارجی ایران و همسایگان، تهران، نشر سروش.
- [۸] روزنامه مردم سالاری، ۱۱ بهمن ۱۳۹۰
- [۹] قوام، عبداعلی، ۱۳۸۷، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، سمت.
- [۱۰] مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۶، «جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی»، تهران، سمت.



[۱۱] محمدی، حمیدرضا، ۱۳۸۳، چالشهای ژئوپلیتیکی ایران در صنعت نفت، پیرامونی خزر، مجموعه مقالات نخستین کنگره علمی انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران.
[۱۲] ملکی، عباس، ۱۳۸۹، امنیت انرژی، ایران و مسائل خزر، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

- Adeebfar, T. (2005), Geopolitical Dimensions [۱۳] of the Main Export Pipeline in the Caspian Region, Institute for International Energy Study's, Tehran, P.
- Cowie, A.P. (1989) oxford advanced learner [۱۴] dictionary, UK: oxford university press
- Gelb, B. (2006), Caspian Oil and Gas. CRS [۱۵] report for Congress
<http://maps.google.com> [۱۶]
<http://www.cia.gov> [۱۷]
- Jonson, L. (1998), "Russia and Central Asia: [۱۸] A new web of relations", The Royal Institute of International Affairs, P.
- Spencer, A. (2004), (U.S. Secretary of [۱۹] Energy), "U.S. National Energy Policy & Global Energy Security", Economic Perspective; An Electronic Journal of the U.S. Department of State, p.6
- Umbach, F. (2006), "Europe's Next Cold [۲۰] War", Global Issue, p. 66
www.iranpronet.com [۲۱]
www.kepco.ir [۲۲]
www.niok.ir [۲۳]
www.vista.ir [۲۴]